

حسین شکیب‌راد، زهرا قربانی، سید سپهر جمعه‌زاده، عطیه ضرابی، امیرحسین علی نیافر، فاطمه کریمی، محمد طائب، محمد کفیلی، فائزه نادری، امیرعلی حبیبی، مینو آقایی‌نژاد، معین‌الدین هاشمی و مریم امام. با تشکر از گروه امداد جزیره محمد لوری، احسان نوری نجفی و محمد صادق باطنی.



جمعه

ضمیمه نوجوان
شماره ۷۰ و ۷۵ شهریور ۱۴۰۰

نوجوان
جمعه



سید سپهر
جمعه‌زاده



پیام‌های خود را به
بست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید.
info@jamejandaily.ir

شماره پیامک
۳۰۰۰۱۲۲۳
نیز راه ارتباطی
دیگر ما
با شماست



معنی ساده
کلمات و
اصطلاحات
خاص هر شماره
از نوجوانه رو
می‌توانید اینجا
بخوانید



از بی ادبان

پدری سراسیمه نزد حکیم آمد و عارض شد که یا حکیم! پسر مرا نخودی است در گلو که یحتمل تا درنگی دیگر از پا درش می‌آورد؛ بیا و چونی کن که آن به! حکیم که بر تمام علوم حال و آینده و گذشته بشریت تسلط نسبی داشت، بر بالین پسر حاضر همی آمد. به محض رسیدن با نوک آرنج چنان بر کمر پسر کوبید که نخود مذکور به نقطه نامعلومی پرتاب شد. آنگاه حکیم از اتاق عمل نزد خانواده پسر آمد و فرمود: «شکر خدا عارضه اصلی برطرف شده و اثرات خفگی از چهره بیمار زدوده شده است. نخود مذکور البته از درِ چیه اتاق عمل به محل نامعلومی گریخت که همکاران بنده سخت تحت پیگرد قانونی اش قرار داده‌اند»

در این بین پدر جلو آمد و گفت که یا حکیم! دارویی برای دوره بعد از عمل تجویز نمی‌کنید؟ حکیم پاسخ داد: «چه سوال بجایی! حتما یک ویلچر خریداری نموده و تا پایان عمر، هر ثانیه یک بار پسران را روی آن بنشانید. در اثر ضربه

آرنج بنده که یک تمهید پزشکی بود، کل بدن بیمار بدون استثنا فلج شد، ولی خب اصلا نگران نباشید، من اطمینان می‌دهم که از شر آن نخود خلاص شده ایم!»

از فردای آن روز، حکیم تقریباً هر هفته برای بیرون کشیدن یک نخود از گلو افراد به بیمارستان‌ها دعوت می‌شد اما اندکی بعد متوجه شد علاقه بیش از حد مردم به شخصی موسوم به شیرفرهاد که در سریالی تلویزیونی ایفای نقش می‌کند و دائم نخود را با پرتاب دست به دهان می‌اندازد، دلیل این اتفاقات است. لذا برای این که این الگو برداری را متوقف کند، به تلویزیون مراجعه کرد اما مسؤولان آنجا حکیم را به علت توهین به کتاب نخود، به او گاندا تبعید کردند. در اوگاندا حکیم با مردمی آشنا شد که الگو و منش زیست خود را از یک گیاه به نام لوبیای سحرآمیز دریافت می‌کنند. وقتی حکیم از مردم محلی پی‌جو می‌شود، پیرمردی محلی به او می‌گوید: «این لوبیا را کسی نگاشته و روزی که در این دهکده همه



مشغول زندگی بودیم، دیدیم که دارد رشد می‌کند. این لوبیا نماد تلاش و حیات در اوگانداست و الگوی مردم سرزمین شده. شعارش هم اینه که تو رشد کن حتی اگه کسی نگاشته باشد!» حکیم که تحت تاثیر سخنان پیرمرد اشک می‌ریخت وقتی کمی دقت کرد فهمید که این لوبیای سحرآمیز، دارد نخود می‌دهد! و در ضمن بوی همان پسری را می‌دهد که فلج شد!

اینجا حکیم دوهزاریش افتاد و ناگهان فریاد زد: «دیوانه‌ها! این اولا لوبیا نیست بلکه نخود است. ثانیاً اگر بگویم این نخود از گلو بیماری تا اینجا پرتاب شده مرا باور می‌کنید؟! در این حال حکیم مشاهده کرد که مردم به پای آن گیاه افتاده‌اند و می‌گویند: «لوبیایی که نخود دهد حتما سحرآمیز است و لایق الگو بودن!»

حکیم که این میزان حماقت را درک نمی‌کرد به برزیل گریخت، آنجا پدر و پسری را وسط زمین فوتبال دید که مانند جان، فوتبال را دوست دارند. در آن وانفسا پدر به پسر گفت: پسر! الگوی تو کیست؟ پسر پاسخ داد: «شما پدرم!» پدر اما اخمی به چهره آورد و عارض گردید: «حیف که این زیر مجبورم دروازه‌رانگه دارم و گرنه می‌دانستم چه بلایی سرت بیارم! من که می‌خواستم ادسون آراتنس دو ناسیمینتو «پله» بشوم؛ آخرش زور زدم شدم تیر دروازه! حال تو که می‌خواهی بشوی من، احتمالاً چمن مصنوعی خواهی شد!» پسر که اشک می‌ریخت، رفت تا در پی الگویی مناسب بگردد. حکیم در این حال دلش به رحم آمد و پسر را با خود به بلاد خویش آورد. حکیم تا به بلاد خود رسید پسر را راهی مدرسه فوتبال کرد و پسر نیز فوتبال‌بست‌های داخلی را به عنوان الگو برگزید. بعدها آنقدر در راستای این الگو پیشرفت کرد تا فروشگاه‌های زنجیره‌ای قلیان دوسیب

را تاسیس کرد هر چند که هیچ‌گاه حتی به لیگ دسته ۹ هم دعوت نگشت.

حکیم از آن نقطه پسر را با قلیان‌ها رها کرد و به داد مادری رسید که فریاد می‌زد: «یا حکیم پسرم چهار ساله است اما تا به حال سه بار طلاق گرفته است!» حکیم که از شنیدن چنین جمله پارادوکسیکالی آب و روغن قاطی کرده بود، برای بررسی میدانی به خانه این خانواده رفت. حکیم در آنجا متوجه شد که ۲۹ ماهواره فعال همزمان تمام شبکه‌های موجود در عالم را در آن خانه پوشش می‌دهند و اهالی خانه چهار چشمی پیگیر حال و روز قسمت ۱۷۹۸ سریال ترکیه‌ای هستند.

حکیم با بررسی و مذاقه کافی، نتیجه غایی را این‌گونه بیان کرد: «در آن سریال دیدیم که عشق‌های ۱۹ ضلعی چقدر پیچیده است پس من هم از همسر خود جدا شدم زیرا از کجا معلوم او هم ضلعی از این اضلاع نباشد!» در این مجال مادر که نمی‌خواست چون پسر خودش؛ حکیم هم قربانی این الگو شود. حکیم را از خانه به بیرون پرت کرد تا حالش برگردد سر جایش!

بعد از این ماجرا حکیم با خود گفت که باید برای تعیین الگوهای صحیح در بلاد فکری کرد لذا برای اولین بار همراه با تمام مردم؛ نزد لقمان رفت و از او پرسید: ادب از کجا آموختی؟ لقمان فرمود: از بی ادبان زیرا.... حکیم تا می‌خواست ادامه حکمت لقمان را بشنود، سرش را برگرداند و دید که مردم بلاد، فرسنگ‌ها از مجلس لقمان دور شده‌اند و بر یک پوستر بزرگ با فونت گل درشت نوشته‌اند: «لقمان بزرگ: ادب را از بی ادبان آموختم.» آنگاه رفتند سراغ بی ادبان و درخواست ادب کردند!

(جهت خواندن ادامه این حکایت و شنیدن راهکارهای بی ادبان، فیلتر شکن گوشی خود را روشن کنید، آنگاه دوباره نشریه را باز کنید! باتشکر، حکیم)

به زبان ساده

کارمندان آن دور هم جمع می‌شوند تا پیرامون اهدافی همچون برقراری صلح جهانی و ریشه‌کن کردن فقر هشدار، پیام و بیانیه بدهند.

ثقیل: سنگین با احتمال شکستن کمر.

بدیع: نو.

فولدر: پوشه فرنگی.

ژست: ادا و اطوارهایی برای انتقال پیام بدون ذره‌ای تلاش زبانی.

پارادوکسیکال: متناقض. مثل چیزی که همزمان هم متناقض است و هم متناقض نیست!

مذاقه: دقت کردن. برای صرف این فعل بعضی چشم را درشت و بعضی چشم را ریز می‌کنند. به این نحو.

غایی: نهایی. تَر تَه آن.

شاق: پر زحمت

لاینحل: حل‌نشدنی.

یونسکو: موسسه‌ای زیرمجموعه سازمان ملل که

کست باکس: نوعی برنامه برای شنیدن رایگان اصوات نکره و معرفه.

کماندو: تکاور، از خوب‌های نیروهای نظامی که قابلیت‌های شگفتی در پیشبرد عملیات جنگی دارد.

رنگ‌رتبه: در مواقع بحرانی عددی بسیار بسیار محرمانه خواهد بود

عارضه: درد، مرض، بیماری.

تمهید: مهیا کردن، سر و سامان دادن، آسان کردن.

وایرال شدن: وقتی محتوایی در فضای مجازی آنقدر دیده شود که اگر هم دیر آمده نخواهد زود از ذهن برود.

تیزر: به تشنه آب نشان دادن. سرآغازی و سوسه انگیز برای جذب مخاطب به فیلم، برنامه و چیزهایی از این قبیل.

تورق: بر وزن تفعّل و به معنای ورق زدن. فعلی برای آرامش خاطر اندکی از دانش‌آموزان در شب‌های خوش امتحان.

فوریه: دومین ماه سال میلادی است و تنها ماهی که ۲۸ یا ۲۹ روز دارد.

کلاشینکف: کلاش، از محبوب‌ترین سلاح‌های دنیا برای کشت و کشتار که در جنگ جهانی دوم طراحی و تولید شده است.

ترفع: بالا رفتن. محبوب دل کارمند جماعت.

موشن گرافیک: نوعی ویدئو که محتوا را به صورت متحرک ارائه می‌دهد.

برگ سبز خودرو پژو آر دی آی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ رنگ نوک مدادی متالیک شماره پلاک ۶۸ ایران ۱۹۲ ج ۷۷ شماره موتور 13499684 به نام الهام نصیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی سواری دوو ماتیز SE، مدل ۱۳۷۹، رنگ مسی متالیک، شماره موتور 513702، شماره شاسی IR79155017824 و شماره پلاک ۹۵۷ ل ۳۳ ایران ۴۶ به نام سید محمد علی مصطفویان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سمند ایکس ۷ مدل ۱۳۸۳ پلاک انتظامی ۷۴۴ م ۴۲ ایران ۵۳ رنگ بژ متالیک شماره موتور 12483185062 شماره شاسی 83254237 به نام محمد عزیزی دستجردی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت پالس ۲۲۰، مدل ۹۰، پلاک ۵۸۱-۲۲۱۶۳، شماره موتور DKG85F71189، شماره تنه 220L9041418 NEO*** به نام محمدرضا خوش سیما مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.